

درس دوم: جهان ممکنات

ابتدا در نظر داشته باشید که وقتی گفته می‌شود، حمل، عبارت «الف ب است / نیست» را به خاطر بیاورید:

❖ نسبت‌های سه گانه در قضایا:

- حمل ضروری یا وجوبی:

ب حتما بر الف حمل می‌شود (الف قطعا ب را می‌پذیرد) - به تعبیر تستی، رابطه ب و الف، «باید» است؛ مثلا: عدد ۶۲ زوج است، مثلث سه ضلعی است، مثلث سه زاویه است و

- حمل امتناعی یا محال:

ب محال است بر الف حمل شود (الف اصلا ب را نمی‌پذیرد) - به تعبیر تستی، رابطه ب و الف، «نباید» است؛ مثلا: عدد ۶۲ فرد است، مثلث گرد است، مربع سه گوش است و

- حمل امکانی:

ب می‌تواند بر الف حمل بشود یا نشود (الف برای پذیرش یا عدم پذیرش ب، حالت تساوی دارد) - به تعبیر تستی، رابطه ب و الف، «شاید» است؛ مثلا: مثلث قائم‌الزاویه است، گل خوشبو است، انسان شاعر است و

✓ حالا یک نکته خیلی مهم:

در فلسفه یازدهم یاد گرفتیم که موضوع فلسفه «وجود» است، همچنین در درس پیش، یاد گرفتیم که دو مفهوم وجود و ماهیت، مغایر هستند؛ پس لازم است در فرمول بالا به جای الف، ماهیت و به جای ب، وجود قرار دهیم؛ یعنی می‌رسیم به بحث زیر:

❖ رابطه وجود با موضوع های مختلف (ماهیات مختلف):

واجب الوجود بالذات: موضوع، حتما محمول وجود را می‌پذیرد؛ مثلا: واجب الوجود وجود دارد.

ممتنع الوجود بالذات: موضوع، محال است محمول وجود را بپذیرد؛ مثلا: مربع گرد وجود دارد.

ممکن الوجود بالذات: موضوع، ممکن است محمول وجود را بپذیرد یا نپذیرد؛ مثلا: مثلث سه ضلعی، وجود دارد، انسان وجود دارد، غول وجود دارد، اسب بالدار شاخدار وجود دارد و

✓ اکنون، با بررسی تقسیم‌بندی سه گانه فوق متوجه می‌شویم که واجب که حتماً موجود است؛ ممتنع که قطعاً موجود نخواهد شد (چون ذاتش وجود را نمی‌پذیرد)؛ اما ممکن الوجود که نسبتش به بودن (وجود) و نبودن (عدم) مساوی بوده؛ می‌تواند به واسطه یک عامل خارجی (علت آن) محقق شود. اگر این اتفاق بیفتد، به آنچه که توسط علت، به وجود آمده، «واجب الوجود بالغیر» می‌گوییم. یعنی دیگر حالت امکانی ندارد، بلکه اکنون واجب شده است.

❖ چند نکته مهم و تستی:

✓ تعبیر ممکن الوجود بالذات، مربوط به تحلیل ذهن است و قبل از پیدایش یک چیز؛ اما وقتی چیزی به وجود آمد و بحث از وجود است و مثلاً می‌گوییم «واجب الوجود بالغیر»، دیگر به چیزی که الآن موجود شده نمی‌گوییم ممکن، بلکه می‌گوییم واجب بالغیر یا نهایتاً باید بگوییم این چیز، ذاتاً ممکن بوده است. این مثل آن است که من به شما بگویم، در نسل پنجم شما، پسری به نام «حمید» موجود است. این پسر که الآن به وجود نیامده، ذاتاً ممکن است و اگر روزی به وجود آمد، به او «واجب الوجود بالغیر» می‌گوییم. (غیر در بالغیر، در واقع همان علت است)

✓ نکته مهم دیگر این است که ممکن است حمل محمول بر موضوع ضروری باشد؛ اما برای حمل به دلیل هم نیاز داشته باشیم؛ مثلاً در موارد زیر:

مجموع زوایای مثلث ۱۸۰ درجه است - مثلث، سه زاویه است - خدا وجود دارد و ...

حمل ضروری و وجوبی است (یعنی موضوع، حتماً و ضرورتاً محمول را می‌پذیرد)؛ اما در عین حال، برای حمل دلیل هم باید ذکر شود؛ یعنی شنونده از شما خواهد پرسید، به چه دلیل گفتی «خدا وجود دارد» و شما باید برای اثبات سخنتان، دلیل بر وجود خدا بیاورید.

✓ کلمات معادل زیر را بدانید:

○ رابطه ضروری = وجوبی، حتمی، اجتناب ناپذیر

○ رابطه امتناعی = محال، نشدنی

○ رابطه امکانی = مساوی بودن نسبت به وجود و عدم، نه ضروری و نه محال (ممتنع)

✓ همچنین این معادل‌ها:

○ اقتضاء دارد: واجب است.

○ اقتضاء لا دارد: محال و ممتنع است.

○ لا اقتضاء است: ممکن است.

✓ در تست‌ها دقت کنید دقیقاً چه چیزی پرسیده می‌شود؛ مثلاً:

رابطه «مثلث» با «سه ضلعی» (مثلث سه ضلعی است)، ضروری و وجوبی است؛ اما

رابطه «مثلث سه ضلعی» با «وجود» (مثلث سه ضلعی، موجود است): امکانی (در ذهن) است.

همین جا اضافه کنم، شکل‌ها و حجم‌ها وجود خارجی ندارند؛ یعنی مثلاً (مثلث موجود است) (استوانه موجود است) با در نظر گرفتن جهان خارج، محال و ممتنع هستند؛ پس وزن و رنگ و .. هم ندارند؛ یعنی اگر کسی گفت: استوانه وزن دارد، کره رنگ دارد و ... اینها محال و ممتنع هستند.

✓ موجودات خیالی و توهمی، اگر چه اکنون موجود نیستند؛ اما «ممکن الوجود بالذات» هستند نه ممتنع الوجود بالذات؛ مثلاً اژدها، غول، فیلی به اندازه یک مورچه، انسان با ده دست و دو سر و ...

✓ واجب الوجود بالغیر، وجودش را از علت دریافت می‌کند نه ماهیتش را. (اساساً بحث علیت، مربوط به وجود است)

✓ کبوتری که قرار است متولد شود، خاکستر چوبی که قرار است سوزانده شود، صدای شیشه‌ای که قرار است شکسته شود، نقاشی‌ای که قرار است کشیده شود و همگی ممکن بالذات‌اند؛ تا زمانی که به وجود نیامده‌اند.